

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين بارئ الخلائق اجمعين، ثم الصلاة والسلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الطاهرين، لاسيما بقيه الله فى الارضين ارواحنا فداه

[فقه معاصر / «بيمه» / جلسه ۲۰ (۱۹/۲/۱۴۰۳) استاد حسين بنيادى]

عنوان بحث: بيمه – انواع التامين

موضوع بحث امروز: مسأله هفتم – بيمه تقابلى يا بيمه تعاونى (التامين بالتقابل أو التامين بالتعاون)

مقدمه: موضوع مسأله هفتم از مسائل بيمه «بيمه متقابل» است، برخى سابقه و پيشبنه ضمان متقابل را با ضمان عاقله و ضمان مرتبط مى دانند كه شباهت هايى با ضمان متقابل دارد اما در عين حال تفاوتهايى نيز دارد كه نمى توان آن را تحت ضمان عاقله، مندرج و تصحيح كرد، لذا بسيارى از فقها از جمله امام خمينى، قدس سره الشريف در همين مسأله، ضمان متقابل را معامله اى مستقل مى شمارند. به هر صورت ضمان متقابل امرى رايج ميان عقلا است و ضوابط و حدود آن تعريف و مشخص شده است به نحوى كه اندراج اين نوع از بيمه در عقد التامين به عنوان عقدى مستقل، محتمل بلكه اقوى همين است

مسأله ۷ – «الظاهر صحة التأمين بالتقابل، وذلك بأن تتفق جماعة على تكوين مؤسسة فيها رأس مال مشترك لجبر خسارة ترد على أحدهم، وهذا أيضا صحيح على الأظهر، وهو معامله مستقلة أيضا مرجعها الالتزام بجبر خسارة من المال المشترك فى مقابل جبر خسارة كذلك، ويمكن أن يقع العقد بنحو عقد الضمان، بأن يضمن كل خسارة شركائه بالنسبة فى مقابل ضمان الآخر، إلا أن الأداء من المال المشترك، ولكن الأظهر فيه الالتزام بجبر الخسارة فى مقابل جبر بنسبة مالهم المشترك من ذلك المال، وهذا العقد لازم، ويحتمل أن يكون عقد شركة التزم كل فى ضمنه خسارة كل واحد منهم، وحينئذ يكون جائزا لا لازما»

[ظاهر آن است که بیمه به نحو متقابل صحیح است و آن به این صورت است که گروهی توافق می کنند که مؤسسه ای به وجود بیاورند که در آن سرمایه مشترکی جهت جبران خسارتی که بر یکی از آن ها وارد می شود باشد؛ و این هم بنابر اظهر صحیح است. و این نیز معامله مستقلی است که مرجع آن التزام به جبران خسارت از مال مشترک در مقابل جبران فلان خسارت می باشد. و ممکن است این عقد به طور عقد ضمان واقع شود؛ به این که هر یک از آنان خسارت شرکایش را به نسبت، در مقابل ضمانت دیگری ضمانت نماید، البته ادای آن از مال مشترک می باشد. لیکن اظهر در آن، التزام به جبران خسارت است در مقابل جبران به نسبت مال مشترک آن ها از این مال. و این عقد لازم است. و احتمال دارد عقد شرکتی باشد که هر یک از آنان در ضمن عقد، خسارت هر یک از شرکا را ملتزم شده است. و در این صورت، عقد جایز می باشد، نه لازم.]

تقریر مسأله هفتم

سابقاً بیان شد که به یک لحاظ بیمه بر دو قسم است: «بیمه تجاری» (التأمین التجاری) و «بیمه تعاونی» (التأمین التعاونی) حضرت امام در مسئله‌ی هفتم اشاره به قسم دوم از تأمین می کنند که تأمین تعاونی باشد، ولی به جای کلمه‌ی «تعاونی» کلمه‌ی دیگری را به کار برده‌اند که عبارت است از کلمه‌ی: تقابل، یعنی «التأمین بالتقابل»، و لذا فرق نمی کند که بگوییم: «التأمین التعاونی» یا بگوییم: «التأمین بالتقابل»، به نظر می رسد تعبیر حضرت امام به واقع نزدیک تر است، یعنی در حقیقت خواهیم دید که تأمین، تأمین بالتقابل است و تأمین بالتقابل این است که جمعی حاضر می شوند و صندوقی را تشکیل می دهند و هر کدام مثلاً مبلغ صد تومان به این صندوق می ریزند، به چه نیت؟ به این نیت و قصد که هر کدام از اعضای صندوق دچار خسارت شد، از این صندوق تأمین بشوند، این به یک معنا تعاون است و به یک معنا این تقابل، تعاون است، چون به همدیگر کمک کرده‌اند، تقابل است، چون مثلاً من این مبلغ را می ریزم که اگر یکی از اعضا خسارت دید، از این صندوق کمک بشود در مقابل هم من هم اگر خسارت دیدم، صندوق خسارت بنده را تأمین کند، که در واقع تقابل است، یعنی اگر من حاضرم که دیگران از سهم من بهره بگیرند، در مقابل باید دیگران هم حاضر بشوند که من نیز از سهم آنان بهره بگیرم، آیا این گونه بیمه درست است یا نه؟ ایشان می فرمایند هر دو صحیح، و بلا اشکال است. چرا؟ چون عقد مستقل است و محرمی هم در آن وجود ندارد و چون هر عقد جدیدی که مشتمل بر امر محرمی نباشد، «أوفوا بالعقود» آن را

کاملاً زیر پوشش خود می‌گیرد. الآن در میان خانواده‌های کوچک صندوق مشترک رائج است که همان تامین تعاونی، یا تامین بالتقابل باشد.

«حضرت امام (ره) در تامین تقابلی چهار احتمال دارند و ما هر چهار احتمال را مطرح می‌کنیم تا ببینیم که کدام‌شان به واقع نزدیکتر است، البته همه‌ی اینها قابل تطبیق است، منتها باید ببینیم که کدام اظهر است و کدام ظاهر. این احتمالات را در قالب نظر عرض می‌کنیم

نظریه اول: نظریه اول همان بود که قبل از «یمكن» بیان کردند و فرمودند: هذا عقد مستقل، یعنی یک نوع عقدی است، که در عشایر و خانواده‌های کوچک بوده و هست، مثلاً همگان کنار هم جمع می‌شوند و مبلغی را به صندوق می‌دهند به این نیت و قصد که اگر فردی از این خانواده‌ها گرفتار شد، گرفتاری او را این صندوق حل کند، منتها به شرط اینکه اگر من هم گرفتار شدم، گرفتاری من نیز به وسیله‌ی این صندوق برطرف شود، یعنی هم درد آنان دوا بشود و هم درد من دوا بشود، عقد مستقل.

نظریه دوم: نظریه‌ی دوم از کلمه‌ی «ویمکن» شروع می‌شود و می‌خواهند بگویند که این از قبیل عقد ضمان است و معنای ضمان این است که من خسارت دیگری را ضامن می‌شوم، منتها من ضامن خسارت او هستم بالنسبه، معنای «بالنسبه» این است که به نسبت پولی که داده‌ام، مثلاً صد نفر هستیم و یکصدمش را من پذیرفتم، بنا شد که هر نفری به این صندوق، یک دینار بریزند، من نسبت به همان وجهی که در صندوق ریختم ضامن هستم و خسارت را بر عهده گرفته‌ام و لذا کسی حق ندارد بگوید که ماشین خود را بفروش و خسارت مرا بده، بلکه التزام من به نسبت وجهی است که می‌دهم و به مقدار عضوی که هستم. پس ممکن است که این از باب ضمان باشد و اگر از باب ضمان شد، خسارت او منتقل به ذمه‌ی من می‌شود. (بر خلاف معنای سوم که بعداً بیان خواهم کرد)

پس نظریه‌ی اولی این است که بیمه‌ی بالتقابل عقد مستقل است (آنه عقد مستقل)، ولی نظریه‌ی دوم می‌گوید که از باب ضمان است، و نمی‌توان اعتراض کرد که این از باب ضمان «ما لم یجب» است و ضمان «ما لم یجب» هم باطل است، چون ضمان «ما لم یجب» آیه و روایتی ندارد، همین مقدار که عقلائی باشد کافی است، مثلاً من از همین حالا ضامن می‌شوم هر خسارتی که به هر یک از این اعضا وارد بشود، آن را به نسبت سهمی (که در صندوق دارم) جبران کنم نه زاید بر آن. (این هم نظریه‌ی دوم بود که بیان شد)

نظریه سوم: و لكن الأظهر: احتمال دارد که «و لكن الأظهر» نظریه‌ی سوم باشد، نظریه‌ی سوم التزام تکلیفی است، یعنی ضمانی در کار نیست، فقط ملتزم می‌شوند که اگر خسارتی به یکی از این اعضا وارد شد، آن را به نسبت سهمی (که در صندوق دارند) جبران کنند.

به بیان دیگر در نظر دوم، ضمان است که به گردن می‌گیرد (ينتقل ذمّة إلى ذمّتي)، ولی در نظر سوم این گونه نیست، یعنی ذمّه‌ی من مشغول نیست، فقط تکلیفاً ملتزم شدم که اگر خسارتی بر طرف وارد شد، من آن را جبران کنم، حکم تکلیفی است نه اینکه حکم وضعی‌اش باشد، اما در دومی وضع است، یعنی حکم وضعی است، اما در سومی فقط یک قولی به شما می‌دهم که اگر خسارتی متوجه شما شد، من آن را پرداخت کنم، اگر روزی زیر قول زدم و به قولم عمل نکردم، شما حق ندارید که از مال من تقاص کنید، و حال آنکه در دومی اگر مانع شدم، فقط حق دارید از همان مالی که من در شرکت دارم، تقاص کنید. (این نظریه‌ی سوم بود)

نظریه چهارم: نظریه‌ی چهارم ممکن است که این خودش یک نوع شرکت است، صندوق یک شرکت تعاونی خانوادگی است، یعنی یک نوع شرکت است بین عشیره یا بین صاحب یک صنعت، اگر شرکت باشد، با سه تایی قبلی فرق می‌کند، چون در اولی عقد لازم است، در دومی ضمان است که «ينتقل من ذمّة إلى ذمّة» و لذا طرف ضامن است، سومی هم که حکم تکلیفی محض است، چهارمی می‌شود یک عقد جایز، یعنی عشیره هر موقع خواستند عقد را بهم می‌زنند. پس از آنچه تا کنون گفتیم، معلوم شد که در اینجا چهار احتمال بلکه چهار نظر وجود دارد:

احتمال اول: آنه عقد مستقل، یعنی ارتباطی به سایر عقود ندارد،

احتمال دوم: قول دوم این است که این از باب ضمان است، یعنی از همین حالا ضامن می‌شود که هر گاه فردی از اعضای شرکا خسارت دیدند، آن را به نسبت سهمی که در صندوق دارد، جبران کند، اما به شرطی که آنان نیز خسارتی که ممکن است در آینده بر او وارد شود، نسبت به سهم خود ضامن بشوند، قهراً طرفین خسارت را از همین حالا بر عهده گرفته‌اند و کسی حق ندارد بگوید که این ضمان «ما لم يجب» است، چون گفتیم همین مقداری که مقتضی باشد، کافی است.

احتمال سوم: در احتما سوم می‌گوید اگر گرفتاری برای شما پیش آمد، من حاضرم گرفتاری شما را حل کنم. یعنی (به عنوان التزام تکلیفی) فقط یک قولی می‌دهد، فرقی با دومی این است که در دومی اگر من کوتاه

آمد، طرف حق دارد که ز صندوق بر دارد، اما در سومی چنین حقی را ندارد، بلکه من یک قولی داده بودم که به آن عمل نکردم .

احتمال چهارم: بگوئیم این تامین تعاونی، یک نوع شرکت است که با هم جمع می شوند، منتها شرکت شان برای این غایت است که خسارت همدیگر را جبران کنند.

بیان محقق خویی(ره) در بیمه بالتقابل

و قال السيد المحقق الخوئي قدس سره: «إذا اتفق جماعة على تأسيس شركة يتكون رأس مالها من أموالهم على نحو الاشتراك، واشترط كل منهم على الآخر في ضمن عقد الشركة أنه على تقدير حدوث حادثة حدّد نوعها في ضمن الشرط - على ماله، أو حياته، أو داره، أو سيّارته، أو نحو ذلك - أن تقوم الشركة بتدارك خسارته في تلك الحادثة من أرباحها، وجب على الشركة القيام بذلك»(منهاج الصالحين - ج ۱ - ص ۴۲۲)

وقال بعض أرباب علم الحقوق في تعريفه: «وقد يكون التأمين بالتقابل تفادياً لكارثة قد تلمّ بأحد أطراف التأمين، وصورة ذلك أن تتفق جماعة من التجّار على تكوين رأس مال مشترك لتعويض ما يحيق بأحدهم من الخسارة، وظاهر أنّ هذا النوع من التأمين يعدّ تجارياً أيضاً؛ لأنّه يؤدّي إلى تجنّب الخسائر» (التأمين - لصالح حمود علوش - ص ۱۱)

نتیجه آنکه به نظر می رسد بیمه متقابل از اقسام بیمه و عبارت است از اینکه چند نفر با سرمایه مشترک و معینی، شرکتی تأسیس کنند و قرار بگذارند هر خسارتی - اعم از مالی و جانی - به هریک از آنان وارد شد از طریق شرکت یاد شده جبران نمایند.

فالتأمين التقابلي يتقوم بعناصر ثلاثة:

أولها: جماعة من التجّار أو المّلك أو غيرهم ولا أقلّ من اثنين.

ثانيها: توافقهم على تكوين رأس مال مشترك.

ثالثها: التزامهم بتدارك أيّ خسارة أو خسارة معيّنة تعرض على أحدهم، من ذلك المال المشترك.

بیان دو نکته

نکته اول: أن فی التأمین التقابلی یكون بالمآل کلّ واحد من الشركاء، مؤمناً ومستأماً:

أما كونه مؤمناً، فلأنه يؤمن مال غيره بالتزامه بجبران الخسارة التي ربما تعرض عليه، وبتداركها من رأس المال الذي هو شريك فيه.

وأما كونه مستأماً، فلأنه استأمن مال نفسه من الخسارة المحتملة بدفع مبلغ معين إلى الشركة أو المؤسسة التي أسسوها، وبدفعه يصبح شريكاً في رأس ماله.

نکته دوم: دو قسم از تأمین بالتقابل

ثم إنّ التأمین التقابلی تارةً: يتحقّق باقدام أشخاص حقیقین،

واخری: بتوسط شركة مساهمة، والتي هي شخصية حقوقية

عناوینی که بیمه می‌تواند بر آنها منطبق باشد (طبق نظر برخی از فقها)

برخی برای آنکه مستقل بودن چنین بیمه‌ای را رد کنند گفته‌اند که بیمه تقابلی مانند انواع دیگر بیمه باید تحت یکی از عناوین و عقود معهود قرار بگیرد، که اختصاراً عرض می‌کنیم:

۱. عقد ضمان: بدین گونه که هریک از اعضا براساس آیین‌نامه تنظیمی شرکت، خسارت معین وارد بر دیگر اعضا را به نسبت خاص که تابع میزان مال هریک از آنها است در مقابل ضمانت آنان، ضمانت کند. البته خسارت از مال مشترک ادا خواهد شد. به عنوان مثال اگر اعضای شرکت ده نفر با سرمایه مساوی باشند، هرکدام به مقدار یک دهم ضامن خسارت وارد بر دیگری است.

این نوع ضمان از مصادیق ضمان اعیان به شمار می‌رود و بنا بر قول به صحّت ضمان اعیان غیر مضمون، صحیح است و در صورت انطباق عقد ضمان بر بیمه متقابل، عقد بیمه لازم و وفای به آن بر هریک از اعضا واجب خواهد بود. (ضمان اعیان غیر مضمونه به معنای تعهد و پذیرش مسئولیت آن اعیان به بازگرداندن آن به مالکش و در صورت تلف، ردّ مثل یا قیمت آن به او، صحیح است؛ اما به معنای ضمان مصطلح؛ یعنی نقل ذمه به ذمه دیگر)

۲. **عقد صلح:** بنا بر اینکه صلح عقدی مستقل باشد. بدین صورت که شرکا با یکدیگر بر این امر مصالحه می‌کنند که هر کدام مبلغی معین به حساب شرکت واریز کند و به نسبت خاص - که تابع میزان مشارکت هر کدام است - خسارت وارد بر جان یا مال دیگر شرکا را جبران نماید. عقد صلح نیز لازم و وفای به مفاد آن واجب است.

۳. **عقد شرکت:** بدین گونه که قرارداد منطبق با عقد شرکت تنظیم و براساس آن هریک از شرکا در ضمن عقد ملتزم به جبران خسارت دیگر شریکان می‌شود. در این فرض عقد جایز است؛ لیکن تا زمانی که قرارداد فسخ نشده است عمل به این شرط واجب خواهد بود.

بعد در همین مورد اخیر گفته‌اند که: اگر شرکت یاد شده با سرمایه مشترک و با اجازه اعضا به تجارت پردازد، صحیح است و سود حاصل از آن به نسبت سهم هریک بین آنان توزیع می‌شود.

ادامه بحث در جلسه آینده ان شاء الله

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين